

# شرکتهای

## چند ملیت

### و روند

#### طایفه‌های

#### ایران

\* ۱. فیوضات

\* مقدمه

در این نوشته شرکت‌های چند ملیتی به عنوان اهرم نیرومند کشورهای صنعتی در سالهای پیش از جنگ جهانی دوم و به ویژه دهه ۱۹۶۰ مورد بررسی قرار می‌گیرد. این نوشته به اختصار به چگونگی پیدایش واژه، نظریه و شعوری و روند این شرکت‌های بزرگ می‌پردازد. به علاوه ارتباط این مجموعه با روند صنعتی شدن ایران مورد بحث قرار می‌گیرد. در اینجا مرور کوتاهی بر دو مرحله اساسی از روند صنعتی شدن ایران (سالهای ۱۳۴۰ و ۱۳۰۴) می‌شود. مرحله نخست این حرکت در پیوند با انقلاب صنعتی (انگلستان) و پیدایش حاکمیت‌های ملی و مراحل تکاملی آنها شکل می‌گیرد. مرحله بعدی این روند با ورود چند ملیتی‌ها (به ویژه آمریکا) در عرصه سرمایه‌گذاری‌های مستقیم اقتصادی در صنایع بزرگ تولیدی و گستردگی بخش خدمات و بازرگانی توأم است. بدین ترتیب مرحله دوم با فراهم شدن یک رشته تغییرات در زمینه ارضی، دگرگونی در تناسب قوای دولتی (جانشینی تکنوکرات‌ها و صاحبان صنایع به جای ملاکین) همراه با سرمایه‌گذاری‌های دولتی در زیرساخت اقتصادی، زمینه رشد می‌یابند. در مورد چند و چون شرکت‌های چند ملیتی نظریات گوناگونی

وجود دارد، برخی از این نظریات در واقع انتشارات و تبلیغات خود این شرکتهاست. به شکلی که موجودیت خویش را موجه جلوه دهند و ماهیت واقعی آنها را بیوشانند. این شرکتها از اینکه آنها را چندملیتی خطاب کنند ناراضی نیستند. حتی سعی بر این دارند که ملیت اصلی خویش را نفی کنند. استنباط آنها بر این پایه است که عامه فهم شدن نظریات مربوط به امپریالیسم گسترش یافته است و گرایش و انگیزه<sup>۱</sup> مشخصه<sup>۲</sup> شرکتها که تنها به سیر صعودی سود توجه دارند، بر همگان روشن شده است. چنین تصویری از گذشته<sup>۳</sup> شرکتها در اذهان عمومی به نفع مدیران و فعالین چندملیتیها نخواهد بود. بنابراین، تغییر نام و پرده‌پوشی هم از لحاظ اقتصادی (مارک جدید کالا) و هم سیاسی می‌تواند منافع درازمدت آنها را محفوظ نگهدارد.



### تعاریف و مفاهیم

چندملیتی مجموعه‌ای است یکپارچه و سازمانی از وسایل تولید که تحت یک مرکز واحد سیاست‌گذاری اداره می‌شود و بر تأسیسات گوناگونی در نقاط مختلف جهان نظارت دارد. این شرکتها به سرمایه‌داران مخصوصی تعلق دارند و مدیران اصلی از همان کشورهای مادر (یا زادگاه) هستند<sup>۱</sup>.

چندملیتی شرکتی است که به منظور گسترش فعالیت خود در جهان و سرمایه‌گذاری به قطبهای صنعتی کشورهای روبه رشد و استفاده از امکانات آنها اقدام به تأسیس یک شرکت فرعی می‌نماید<sup>۲</sup>. چندملیتی یکی از قدرتمندترین نهادهایی است که سیستم سرمایه‌داری ایجاد کرده است. فعالیت چندملیتی در زمینه‌های تولیدی و پژوهشی نه فقط با شرایط اقتصادی کشور زادگاه، بلکه با توجه به شرایط جهانی تعیین می‌شود. این شرکتها از امکانات مقابله با دولتهای ملی برخوردارند<sup>۳</sup>. یک شرکت صنعتی را زمانی می‌توان چندملیتی نامید که لاقلاً بجز در کشور خود در یکی از کشورهای خارجی به فعالیت صنعتی مشغول باشد. . . . به طور واضح درجات متفاوتی از چندملیتی وجود دارد، و گرایش به سمت درجات بزرگتر است. . . .

---

۱ - وزارت بازرگانی، شرکتهای چندملیتی و کشورهای توسعه‌نیافته، روابط عمومی

بخش بازرگانی ۱۳۶۱ ص ۱۸.

۲ - از همان مأخذ

۳ - از همان مأخذ

یک شرکت چندملیتی هر اندازه که از لحاظ داد و ستد بین‌المللی باشد، از لحاظ مالکیت معمولاً "چندملیتی نیست، مالکیت و کنترل به طور ثابت در یک کشور واحد قرار داده شده است"<sup>۴</sup>.

با توجه به تعاریف و مفاهیم گرفته شده واقعیت این است که این شرکتها ریشه در تاریخ گذشته سرمایه‌داری صنعتی دارند و وارث امپریالیسم کهنی هستند، اما در شکلی نوین همراه با توسعه تولیدی و تسلط تکنولوژیکی، تفاوت این دو در این است که در واقع انکاز نظام صنعتی جدید بر تولید و گسترش صنعت است، در حالی که در قاموس نظام کهن (امپریالیسم) این روند به این حد از رشد تاریخی خود نرسیده بود، اما آنچه شرکت‌های بزرگ کشورهای صنعتی را به نام چندملیتی شهرت داده، ورود آنها به یک روند تمرکززدایی است که به ویژه در سالهای پس از جنگ جهانی دوم و طی چهار دهه اخیر مشخص شده و جهت و معنای جدیدی به اقتصاد جهانی داده است.

بدین ترتیب برای روشن شدن پایه‌های نظری این بحث به اختصار به ارائه نظریات محققان و متخصصان این رشته توجه می‌کنیم:



### نظریات پیرامون شرکت‌های چندملیتی

اظهار نظر پیرامون چندملیتی‌ها بسیار وسیع است، در اینجا کوشش می‌شود، به ذکر نمونه‌ای چند از این نظریات بسنده کنیم.

استفان هایمر\*، شرکت‌های چندملیتی را مجموعه یا سیستمی از بنگاه‌های تولیدی در ارتباط با سه مسئله عمده چون "بین‌المللی شدن سرمایه"، "بین‌المللی شدن تولید"

۴- گروه سیاسی کمبریج، تهدید شرکت‌های چندملیتی، ترجمه محمد سوداگر، پازند،

تهران چاپ دوم ۱۳۵۹ ص ۲۴-۲۲

۶% صنایع ماشینی کانادا به وسیله شرکت‌های چندملیتی، (به طور عمده آمریکایی) کنترل می‌شود، همچنین است وضع یک سوم صنایع ماشینی استرالیا، سهم این شرکت‌ها در کارخانه‌های بریتانیا یک ششم است اما بریتانیا همچنان پایگاه دومین گروه بزرگترین شرکت‌های چندملیتی پس از ایالات متحده است. در حدود یک پنجم سرمایه‌گذاری‌های جهانی در تملک شرکت‌های انگلیسی است. (کتاب تهدید شرکت‌های چندملیتی ص ۴۲).

\* استفان هایمر یکی از اقتصاددانان کانادایی است که تحقیقات ارزنده‌ای در زمینه شرکت‌های چندملیتی انجام داده است. این محقق در جوانی مرحوم می‌شود.

و " بین‌المللی شدن حاکمیت " مورد بررسی قرار می‌دهد .

منظور این محقق از بخش اول ، سرمایه‌گذاری مستقیم\* این شرکتها در خارج از کشور مادر است ، که وسیله‌ای برای " کاهش هزینه‌ها " و " مقابله با عدم اطمینان " تلقی می‌شود . کیندل برگر\*\* اقتصاددان لیبرال امریکایی معتقد است که سرمایه‌گذاری مستقیم در کشورهای پیشرفته‌کلا" در پشت صنایع محلی مخفی شده است . اما صنایع محلی در اقتصاد کشورهای در حال توسعه به سختی قابل دوام است . ولادیمیر آندروف محقق فرانسوی از ج . داوینگ نقل قول می‌کند که در سال ۱۹۱۴ ، ۹۰٪ این قبیل سرمایه‌گذاری‌های خارجی به صورت سرمایه‌گذاری در سهام شرکتها انجام می‌گرفت . در حالی که سرمایه‌گذاری خصوصی مستقیم امروزه درصد بسیار بالایی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی را تشکیل می‌دهند . آندروف در ادامه گفتارش می‌افزاید ، سرمایه‌گذاری مستقیم در سرمایه‌گذاری جهانی در مجموع از ۱۰٪ در سال ۱۹۱۴ به ۶۰٪ در سال ۱۹۶۰ می‌رسد . این واقعیت می‌تواند نمودار تغییری اساسی مبتنی بر پیدایش یک پدیده جدید باشد . نو بودن پدیده شرکت‌های چندملیتی با مشخصات زیر ظاهر می‌شود :

- رابطه میان سرمایه‌گذاری مستقیم و صادرات در سطح ملی و جهانی ،
- سهم سرمایه‌گذاری‌های مستقیم در مجموع سرمایه‌گذاری‌ها در خارج ،
- سهم شعب بیگانه در تجارت خارجی کشور اصلی ،
- نسبت میان فروش و شعب خارجی به فروش داخلی ( شرکت مادر ) ،
- نسبت درصد کارکنان بیگانه در مقایسه با کل کارکنان شرکت<sup>۱</sup> .

---

\* - سرمایه‌گذاری از دو طریق در خارج انجام می‌شود - سرمایه‌گذاری از راه خرید سهام و یا اوراق بهادار ( Invest ment Portfolio ) و یا اینکه شرکتها خود ممکن است با ایجاد کارخانه‌ها در سایر کشورها یا خرید شرکت‌های خارجی سرمایه‌گذاری کنند نوع اخیر " سرمایه‌گذاری مستقیم " نامیده می‌شود . ( Direct Invest ment ) " تهدید شرکت‌های چندملیتی ص ۳۹ " .

\*\* Kindle Burger CH.

1. Andreff. W. Developpeme De La Firme Multinational  
Et Sectorisation Mondiale De La Production, Paris, These  
D'etat 1975

محقق اقتصاددان دیگر فرانسوی بر اهمیت و گسترش بازار جهانی که کنترل صنایع ضروری را در اختیار دارد، تکیه می‌کند. مسئله‌ای که برای او تازگی دارد، آهنگ رشد این شرکتهاست که بر کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه اثر می‌گذارد. او این طرز فکر را مطرح می‌کند که گروههای صنعتی از وحدت نظر و در درون خود از تقسیم کاری برخوردارند. این وضع به آنها اجازه می‌دهد که در واحدهای صنعتی در سطح بین‌المللی پراکنده باشند اما واحدهای مهم و مراکز تحقیقاتی خود را در کشورهای مادر نگاه دارند.<sup>۱</sup> محقق دیگری می‌نویسد، اقتصاد سرمایه‌داری تا زمانی در قالب تنگ رشد کشورها محدود مانده بود، اکنون با نقش چندملیتی‌ها بعد بین‌المللی گرفته است. به گفته وی این نظام پس از گذراندن " مراحل وحدت تجاری و مالی " به مرحله " وحدت صنعتی " رسیده است.

هایمر در زمینه " بین‌المللی شدن تولید روی نیروی کار جهانی که در سیستم‌بناهاها و شبکه‌های تولیدی بهم پیوسته متمرکز شده‌اند، تکیه می‌کند و برای نمونه از شرکت‌های بزرگ امریکایی که از صدها هزار نیروی کار در شبکه تولید زنجیره‌ای خود بکار می‌گیرند مثال می‌آورد، هایمر در زمینه " بین‌المللی شدن حاکمیت به این نتیجه می‌رسد که دولت‌های ملی و یا منطقه‌ای گرایش به انزوا دارند، در حالی که چندملیتی‌ها از گرایش رو به تزايد جهانی شدن برخوردارند<sup>۲</sup>، محقق مذکور برای گسترش شرکت‌های بزرگ امریکایی سه علت اساسی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

---

1. Deliles J.P. Science Economic N0. 2, 12 Mars 1 1972  
از نظر این محقق، تقسیم کار جهانی در حقیقت چیزی جز ارجاع کار از جانب کشورهای صنعتی به کشورهای در حال توسعه نیست - براین اساس است که ساختهای تولیدی در این کشورها شکل می‌گیرد.

۲ - هایمر در مقاله " بین‌المللی شدن سرمایه " در این زمینه به عنوان مثال کمپانی رنو قطعات مختلف اتومبیل خود را در رومانی، اسپانیا و آرژانتین تولید می‌کند و در نقاط مختلف دنیا مونتاژ می‌نماید ( سیطره جهانی ص ۶۲ ) در زمینه نیروی کار به طور مثال آی. تی. تی. در ۷۰ کشور حدود ۴۲۵ هزار حقوق‌بگیر دارد. به نه شرکت بین‌المللی است اما مغز آن در نیویورک است. ( سیطره جهانی ص ۶۰ ) و یا شرکت جنرال موتورز که سومین شرکت بزرگ امریکایی است ۷۳۴ هزار مستخدم دارد. ( فرهنگ شرکت‌های چندملیتی ص ۱۹۸ )

نخست اطمینان در فراهم آوردن مواد اولیه ضروری، دوم نظارت بر بازارهای خارجی و سوم نیاز به پیش‌بینی رقابت از سوی مؤسسات محلی و علت چهارمی را اقتصاددان امریکای لاتین (لوئیس بره سریرا) بدان افزوده و آن سود بدست آمده‌ای است که از نیروی کار ارزان موجود در کشورهای در حال رشد عاید می‌گردد می‌تواند در زمینه مسئله اول یعنی مواد اولیه، مواد غذایی، نفت، مس، کائوچو، و فلز را نام می‌برد، و برای استخراج آنها زیربنای صنعت یعنی بندرگاه، خطوط راه‌آهن را ضروری می‌شمرد. در مسئله بعدی یعنی نظارت بر بازار انگیزه‌های است که شرکتها برای تسهیلات صدور کالا در نظر می‌گیرند<sup>۱</sup>. چنین به نظر می‌رسد که محققان نامبرده هر کدام از دریچه‌های متفاوت به جهانی شدن سرمایه، تولید و پدیده چندملیتی‌ها پرداخته‌اند و زمینه‌های مشترکی در ارائه فکری آنان مشاهده می‌شود. نخست اینکه چندملیتی‌ها پیام‌آور نظام جدید تولیدی و صنعتی‌اند. دوم اینکه این رشد صنعتی اگرچه شامل کشورهای در حال توسعه می‌شود، ولی طراحی، تحقیقات و نظارت همچنان در کشور مادر باقی می‌ماند. سوم اینکه چندملیتی‌ها در اثر تقسیم کار جدید در عین اینکه با هم در تضادند و اختلاف دارند، در زمینه توزیع سود به وحدت نسبی رسیده‌اند. چهارم اینکه شبکه تولیدی آنها حجم بزرگی را دربرمی‌گیرد و نیروهای کار گسترده‌ای را در خط زنجیره‌ای تولید در جهان بوجود آورده‌اند که با رشد سرمایه‌داری در قرن گذشته قابل قیاس نیست.



### پیدایش و توسعه چندملیتی‌ها

در بحران حاد اواخر دهه ۱۹۲۰ جهان صنعتی، با حدود ۵۰ میلیون بیکار مواجه بود. از این رقم حدود ۱۵ میلیون آن شامل امریکا می‌شد. هزاران بازرگانی خرد، بانکها و صنایع کوچک در کشورهای صنعتی و غیرصنعتی در معرض ورشکستگی و نابودی قرار گرفتند. طرح نوین (NEW - DEAL) روزولت مسئله دخالت دولت در امور اقتصادی را مطرح ساخت و کینز محقق اقتصادی انگلیس به تئوریزه کردن این دخالت پرداخت. در پی همین فکر پس از پایان جنگ جهانی دوم، طرح مارشال سرمایه‌گذاری در صنایع جنگ‌زده اروپا را مدنظر قرار داد. ویژگی این سرمایه‌گذاری حرکت در امر گسترده‌گی تولید (صنعت و کشاورزی) بود. و تجربه سرمایه‌گذاری در اروپا و به ویژه آلمان و بعدها کشورهای در حال توسعه را

دربرگرفت. در نتیجه دو طرح کلی یاد شده یکی به گستردگی دستگاه دولت و دخالت آن در امور عمرانی، زیربنایی و اقتصادی انجامید و دیگری رشد چندملیتی‌ها را به عنوان حاملان و پیشناتزان تکنولوژی و دگرگونی در جهان مطرح ساخت. براساس تحقیقات انجام شده در یک دهه در فاصله سالهای ۶۷ - ۱۹۵۷، میزان رشد و توسعه شرکت‌های بزرگ در آمریکا ۵/۴ درصد، در اروپای غربی ۸/۵ درصد، در ژاپن به طور متوسط ۱۴/۷ درصد بوده است. مکانیسم توسعه این شرکتها در واقع بر دو نوع پیشرفت فنی مبتنی است. نخست رشد وسایل ارتباطی ( تلکس و هواپیما ) و دوم رشد شرکتها از نظر تشکیلاتی است که به شکل مکمل یکدیگر عمل کرده‌اند.

چندملیتی‌ها در ساخت محصولات که پیچیده‌ترین تکنولوژی در آنها بکار رفته، ادامه داده و در نتیجه آنها در صنایع شیمیایی - دارویی ساخت تجهیزات بیمارستانی، و در صنایع ماشین‌سازی و نفت کاملاً تسلط دارند\*. پیشگامی شرکت‌های چندملیتی در چنین مسیری از رشد را می‌بایست به جنرال موتورز که یکی از کمپانی‌های بزرگ جهانی است نسبت داد\*\*.

بدین ترتیب، شرکت‌های بزرگ اتومبیل‌سازی آمریکا که پیشگامان حرکت تولیدی و صنعتی جدیدند، ابتدا بازارهای اروپا را هدف قرار دادند و پس از آن با درجه و نسبت کمتری از سرمایه‌گذاری وارد بازارهای کشورهای در حال توسعه شدند.



### وام‌های خارجی و چندملیتی‌ها

با در نظر گرفتن اینکه این مقاله به دو مسئله یعنی پیدایش شرکت‌های چندملیتی و روند صنعتی شدن ایران ( در سالهای ۱۳۴۰ ) توجه دارد، اینک به ذکر چند نکته‌ای

\* - در بخش نفت<sup>۳</sup> تولیدات را تنها هفت کمپانی برعهده دارند. نود و ۹ درصد تولید جهانی اتومبیل را تنها هشت کشور بزرگ کنترل می‌کنند. ۱۲ شرکت ۸۵ درصد کاغذ جهان را تولید نمایند. ( شرکت‌های چندملیتی بازرگانی ص ۵ ) . پپسی‌کولا در ۱۱۴ کشور جهان فعالیت دارد و در ۵۱۲ کارخانه در خارج از ایالات متحده وسایل تولید و توزیع دارد ( زوال تمدن سوداگری صص ۸۳ - ۸۲ )

\*\* - این کمپانی با ادغام چند شرکت بزرگ در جنگ جهانی اول بوجود آمد و در میان ۱۵۰ انحصار عمده جهانی مقام اول را کسب کرد. جنرال موتورز به طور متوسط سالانه پنج میلیون اتومبیل تولید می‌کند. ( شرکت‌های چندملیتی ص ۵ " حسابدار شماره ۳۰ " )

در زمینه دودیدگاه متفاوت درباره صنعتی شدن و بهره‌گیری منابع خارجی اکتفا می‌کنیم . برخی از نظریه پردازان، کمکهای فنی (Assistant Aid) کشورهای صنعتی به کشورهای در حال توسعه را عامل اساسی روند صنعتی شدن این کشورها می‌دانند و این مسیر را تنها راه رشد صنعتی شدن بشمار می‌آورند ، و براساس این فرضیه که صنعتی شدن این جوامع را نمی‌بایست علی‌الاصول از صفر شروع کرد و باید از تجارب دیگران بهره گرفت ، در واقع به زمینه پذیرش وام و کمک از قدرتها و سازمانهای بین‌المللی جنبه عام می‌دهند و یا وام‌گیری را تئوریزه می‌کنند . این گروه بدون تحقیق و بررسی در زمینه نیازمندیهای بالفعل و بالقوه جامعه خود و بدون در نظر گرفتن تاریخ و تجارب گرانیهای گذشته خویش و حتی بدون در نظر گرفتن اینکه وام‌دهی اصولاً جهت‌دار است و تعهد و انقیاد بعدی را به دنبال دارد و آینده و نسل بعد را در تنگنا قرار می‌دهد ، به پذیرش آن تن می‌دهند . صاحب‌نظران واقع بین کمکهای فنی به جوامع در حال توسعه را در جهت صنعتی شدن نوعی انقیاد و دنباله‌روی از خواسته‌های مراکز صنعتی بشمار می‌آورند . استدلال این گروه بر این اساس است که نخست منابع پرداخت‌کننده وام جهت اعمال نظر ، منافع خویش را مدنظر دارند . دوم ، وام بخشی از سرمایه این کشورها را شامل می‌شود که در آنجا از کارایی و سودآوری کافی برخوردار نیست . سوم اینکه وجود منابع طبیعی سرشار ، وجود بازار آماده ، نیروی کار ارزان ، تسهیلات گمرکی ، فقدان سیستم مالیاتی روشن ، عرضه صنایع مستعمل به شکل وام ، سرمایه‌گذاری در این جوامع را از سودآوری بالایی برخوردار می‌کند . به عنوان مثال ، گسترش روزافزون تکنولوژی در جوامع صنعتی می‌تواند به برکت امکان انتقال تجهیزات متروک به کشورهای در حال توسعه سرعت زیادی به خود بگیرد<sup>۱</sup> . این انتقال به وسیله چند ملیتی‌ها که حاملان تکنولوژی ، صنعت و منابع وام‌دهی هستند ، صورت می‌گیرد\* . به گفته هایمر " برای یک شرکت چند ملیتی مرزها با مرکب نامرئی ترسیم شده‌اند " ، یا بنابه گفته رئیس آی. بی. ام " از نظر تجاری ، مرزهایی که کشوری را از کشور دیگر جدا می‌کند ، خطوطی

---

۱ - ف. کاسترو ، بحران اقتصادی و اجتماعی جهان ، ترجمه ع نصیرزاده ، امیرکبیر ۱۳۶۴ . براساس آمار ، بانک توسعه داخلی آمریکا ، حدود ۷۰ درصد از تکنولوژی که امریکای لاتین از کشورهای سرمایه‌داری خریداری کرده قدیمی بوده است . ص ۱۳۹ .

\* - دو منبع یا سازمان وام‌دهی جهان یعنی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول روابط تنگاتنگی با چند ملیتی‌ها دارند و اهداف واحدی را در کشورهای در حال توسعه دنبال می‌کنند کنفرانس برتون وودز در سال ۱۹۴۴ تشکیل شد و ایجاد این کنفرانس باعث تشکیل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول گردید ( سیطره جهانی ص ۱۰۶ ) .



فرضی هستند مانند خط استوا. اینها چیزی نیستند جز علامت‌گذاری‌های مصلحتی که مردمان را به اعتبار قومیت، زبان و هویت فرهنگی از یکدیگر جدا می‌کنند<sup>۱</sup>.

باید توجه داشت که وام این سازمانها یا کشورهای صنعتی به شکل سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه سبب دگرگونی‌هایی می‌شود. این دگرگونیها، ساخت اقتصادی کشورهای توسعه‌نیافته را به تقلید از الگوهای مصرف کشورهای صنعت وامی‌دارد. آن چنان الگوی مصرف که زمینه‌آسای آن به وسیله چندملیتی‌ها از پیش طرح‌ریزی شده و در پی آن ساختار اقتصادی توسعه‌نیافتگی را گسترش داده است. با ایجاد بازار کالاهای لوکس، تلویزیون‌رنگی، سیستم تهویه، بازار البسه (اورکت و جین)، بازار نوشیدنی پبسی‌کولا... یک ساختار اقتصادی ویژه ایجاد کرده است. چنین رشد اقتصادی همراه با رشد تولیدی و صنعتی شدن به نوعی تکنولوژی امکان داد، که پیوندی با اقتصاد، صنعت و تکنولوژی محلی ندارد. بدین ترتیب این روند صنعت و تکنولوژی اکثریت انسانها را در حاشیه توسعه اقتصادی قرار می‌دهد و با وجود رشد صنعت، کسب مهارت در سطح پایینی از رشد می‌ماند و این جریان نیاز به ورود مشاوران و کارشناسان بیگانه... همراه با کمکهای فنی را الزام‌آور می‌کند. ارتباط مستمر دیوان‌سالاران یا مشاوران خارجی و خو گرفتن آنان به الگوهای مصرف آن چنان تشبیه می‌شود که کمتر گروهی از اقشار حاکم زحمت تفکر و اندیشیدن به راههای غیر از آنچه رندانه ارائه شده به خود می‌دهد و احساس مسئولیت در پی‌ریزی یک پروژه و به پایان رساندن آن را در درون کشور می‌دهند. بدین ترتیب مسئله‌ای که در پایان باقی می‌ماند، بهره‌های کلان وامها، صنایع به جامانده و بی‌مصرف، هدر رفتن نیروهای مادی و معنوی این کشورهاست که به حق "توسعه، توسعه‌نیافتگی" را شهرت بخشیده است.\* شرایط مساعد برای چنین رشدی، در واقع، پس از جنگ جهانی دوم و فروپاشی استعمار کهن و استقلال برخی کشورهای آسیا، آفریقا و امریکای مرکزی، با پیدایش شرکتهای بزرگ جهانی و گستردگی دستگاه دولتها، شروع به شکل‌گیری می‌کند.

---

۱ - بارت و مولر، سیطره جهانی، ترجمه مصطفی قریب، انتشارات هاشمی، تهران،

۱۳۶۳، ص ۱۴

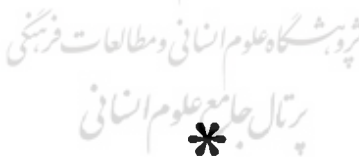
\* - اصطلاح آندره گرنر در فرانک در کتاب توسعه‌نیافتگی در برزیل، ترجمه سهراب

بهداد، دانشگاه شریف.

## صنعتی شدن کشورهای در حال توسعه ( یا تکیه به تجربه ایران )

روند پیدایش صنعت ماشینی در کشورهای در حال توسعه با صنعتی شدن کشورهای پیشرفته صنعتی، یعنی با آنچه که صنعتی شدن کلاسیک نام گرفته تفاوت اساسی دارد. در روند صنعتی شدن کلاسیک و گذار از نظام کشاورزی به صنعت ماشینی، نقش نیروهای رشدیابنده، تجربه علم و تکنیک و علم سخت مؤثر بوده است. تغییرات بنیادی حاصل در این کشورها از طریق رشد گروههای افزارمند، صنعتگران خرد و بازرگانان، همراه با تمدن شهرنشینی در کشورهای هلند، انگلیس و فرانسه... پا گرفت. با این تغییرات، "انقلاب صنعتی" امکان پذیر شد و بعدها به مدد کشفیات علمی و تکنولوژیک روند تولید از نظر کمی و کیفی دگرگون گردید. در این دگرگونی، حرفه‌های کوچک پیشه‌وری خانگی و صنایع و صنایع کارگاهی رو به انزوا گذارد، در حالی که بخشی از کارگاهها در عرصه فعالیت جدید جایی برای خود باز نمود و این روند تولد و انزوا به شکل مستمر ادامه یافت و بخش تکمیلی در اقتصاد صنعتی شد. چنین فعل و انفعالی نظام صنعتی را از مرحله رقابتی به سوی ایجاد شرکت‌های جهانی و یا چندملیتی‌ها ( انحصار ) سوق داد. بدیهی است که در این روند، بدون رشد مداوم بخشی از صنعت و تولید، گسترش این شرکتها غیرممکن می‌نمود. چنین روندی از رشد در کشورهای در حال توسعه پیموده نشده است. بدین ترتیب، با وجود بیش از یک قرن که از ورود صنعت ماشینی به این کشورها می‌گذرد، تولید صنعتی در آنها در سال ۱۹۶۰ در حدود ۷ درصد و یا در بیست سال پس از آن در حدود ۹ درصد بوده است. سهم کشورهای توسعه‌نیافته در صناعی که احتیاج به تکنولوژی پیچیده دارد، بسیار ناچیز به نظر می‌رسد.

ادامه دارد



پیدایش صنعت ماشین در ایران

روند صنعت در ایران به دو دوره مشخص قابل تمیز است، دوره ۱۳۰۵ به بعد و

دوره ۱۳۴۰ به بعد.



جدول سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی در ایران - نوع فعالیت و کشور\*

۱۹۷۵-۷۶

نوع فعالیت:

۶/۶	صنایع کشاورزی
۵/۳	معادن
۵/۳	مواد غذایی
۲۲/۹	پتروشیمی
۱۷	صنعت اتومبیل‌سازی و حمل و نقل
۱۶/۴	لاستیک
۶/۴	مواد شیمیایی و دارویی
۶/۳	صنایع الکترونیک و الکترونیک
۶/۹	فلزات
۴/۲	مصالح ساختمانی و امور ساختمان
۵/۴	هتل
۱۲/۳	فعالیت‌های دیگر
۱۰۰	جمع
	از:
۱۴/۸	امریکا
۳/۴	بریتانیا
۶	آلمان
۱۵/۸	فرانسه
۴۲/۹	ژاپن
۱۸/۱	دیگر کشورها*
۱۰۰	جمع



\* منبع: به نقل از: بانک مرکزی ایران، ترازنامه و گزارش سالانه سال ۱۳۵۴ صفحه ۸۹ و هالیدی. دیکتاتور و سرمایه‌داری ص ۱۶۴.



- \* الهی همایون، دیکتاتوری کارتلها، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳
- \* بارت ر. ویولرز، سیطره جهانی، ترجمه مصطفی قریب، هاشمی، تهران ۱۳۶۳
- \* برومند محمدتقی، انحصارات صنعتی و بانکی، تهران شبگیر، ...
- \* برونر، رابرت هایل، زوال تمدن سوداگری، ترجمه علی آی، آگاه، تهران ۱۳۶۳
- \* شربخش، الف، شرکتهای چندملیتی و استقلال ملی، نمونه شیلی، دانشگاه ملی ایران شماره ۱۵۶
- \* سوداگر محمد، رشد روابط سرمایه‌داری در ایران سالهای ۳۹-۱۳۰۴، پیوند، تهران، ۱۳۵۹
- \* سویزی و دیگران، شرکتهای چندملیتی و کشورهای توسعه‌نیافته، ترجمه سعید بهاران، تهران، ۱۳۵۷
- \* صداقت‌کیش جمشید، صنایع در توسعه اقتصادی ایران، تهران، ۱۳۵۲
- \* کاستروف، بحران اقتصادی و اجتماعی جهان، ترجمه غلام‌رضانصیرزاده، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۴
- \* فورود شارل هانری، فرهنگ شرکتهای چندملیتی، منشأ نفوذ، استراتژی و بخشهای عمده فعالیت، ترجمه مهشید ملکی معیری، تندر، تهران ۱۳۶۰
- \* غازیانی، ح. ن.، وظایف مبرم اقتصاد و سیاست، نقش جهان، تهران ۱۳۵۸
- \* هالیدی، فرد، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه ف نیکاآیین، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۸
- \* گروه کمبریج، تهدید شرکتهای چندملیتی، ترجمه محمد سوداگر، پارتد، تهران، ۱۳۵۶ و ۱۳۵۹
- \* کتاب آگاه، "شرکتهای چندملیتی" فرهاد دفتری، شماره ۱، ۱۳۶۲
- \* مجله تحقیقات اقتصادی، "ارزیابی و مضار عملیات شرکتهای چندملیتی در کشورهای میزبان"، افسین‌راز، سال هفتم، شماره‌های ۳۲، ۳۱، ۱۳۵۲
- \* برانت ویلی. "شمال - جنوب: برنامه‌ای برای افریقا"، شرکتهای چندملیتی، سرمایه‌گذاری و مشارکت در تکنولوژی، ترجمه ه. همایون پور، آگاه، تهران، ۱۳۶۶
- \* هیلرونر هویرت. ل. "ظهور شرکتهای چندملیتی"، ترجمه رضا قریشی، روابط بین‌الملل، نشریه مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، شماره ۱، پاییز ۱۳۵۲

- Amin S. Le Developpement Inegal, Paris, 1973.
- Bairoch P. Letiere Monde dans l'Impasse, Gallimard, 1971.  
 Révolution Industrielle et Sous Developpement, Gallimard, 1974.
- Barang M. L'Iran Renaissance D'un Empire. Le Monde Diplomatique Mai 1975.
- Buckley P.J. And Casson M. The Future of the Multinationat Enterprise. The Macmillan Press LTO.  
 London and Basingstoke 1976.
- Clapham Michael Multinational Enterprises and National States, University of London 1975
- Daftary F. and Borghey M. Multinational Enter prise and Em'pury om Iran, Geneva, World Employment Programme Research Dec. 1976.
- Delilez J.P. Les Monopoles, Paris, 1972 "L'internationalisation Dela Production", Economie Et Politique, No 2, 12 Mars 1972.
- Fadakar. Les Relations Commerciales Entre L'Iran Et des U.S.A.. (These 3<sup>e</sup> Cycle E,H,E,S,S.), Paris, 1974, PP 352-359.
- Jacoby M. "Les Societes Multinationales," le Monde Diplomatique, Juillet, 1976 .
- Hymer S. The Internationalisation of Capital ". This paper was published out of The Annual Meeting of the Association For Evolutionary Eco. New Orleans Louisiana 27-28 Dec. 1971.
- Kay G. Development and Underdevelopment. Printed in Great Britain, Redwood Burn L.T.D. 1975 P.96
- Kindleburger Ch. Les Investissements Des Etatsunis dans le Monde, Paris Calmann, Levy 1971 - p. 176
- Magdoff H. L' Age de L'imperialisme, Paris Maspero 1970.
- Sammut.C. Compes Rendus d' Hiferding, l' Homme et Societe 1970
- Santos T.D. Les Societes Mult. L'Homme et Societe' No 33 - 34 1974.
- Strahm R.H. Pourquoi Sont - ils si Paovres? Faits et chiffres en 57 Tableaux sur les Mecanismes du sous developpemandpar Francais de Bargas, A. Gisler et P.L. Giovannini la. Baconniere.